

حل مشکل بی کاری و آلودگی هوا با یک حرکت



خانم جنیفر گرانهولم (JENNIFER GRANHOLM) در فوریه سال ۲۰۱۳ در انجمن مرکز TED در شهر نیویورک سخنرانی کردند. ایشان به دلیل این که هم دانشمند و محقق علوم هستند و هم یک دوره فرماندار ایالت میشیگان بودند. دارای دو دال مشغولی علمی و سیاسی هستند و هر دو را در یک سخنرانی ادغام کردند. از نظر سیاسی او نگران بی کاری در دنیای رقابتی امروز بود و از نظر علمی نگران گرم شدن و آلودگی هوای جهان. ایشان برای حل هر دو مشکل یک راه حل پیشنهاد کرد که طی دو شماره این سخنرانی را برای شما چاپ می کنیم. جهت اطلاع قیمت بلیط این سخنرانی ۳۰۰۰ دلار بود. من فرماندار سابق میشیگان هستم، به عنوان یک سیاستمدار همواره با مشکل ایجاد کار برای مردم روبرو بوده ام. البته این فقط مشکل ایالت میشیگان یا کشور آمریکا نیست بلکه همه جهان با مشکل ایجاد کار برای مردم خود، در فضای رقابتی یک اقتصاد جهانی، مواجه هستند. انرژی پاک هم یکی دیگر از مشکلات جهانی است که روز به روز شرایط وخیم تری پیدا می کند. من فکر می کنم برای هر دو مشکل بی کاری و انرژی پاک یک راه حل مشترک پیدا کرده ام که می خواهم در این جا با شما در میان بگذارم. ابتدا می خواهم یکی از تجربیاتم را در زمانی که فرماندار بودم برای شما تعریف کنم. من در سال ۲۰۰۲ انتخاب شدم. در پایان اولین سال فرمانداریم یکی از همکاران تماس تلفنی با من گرفت و گفت «فرماندار، ما یک مشکل بزرگ پیدا کردیم. یک شهر خیلی

این کارخانه رفتیم. پدرم در این کارخانه کار کرده، پدر بزرگم در این کارخانه کار کرده، تنها چیزی که بلدم یخچال ساختم.» و به دخترانش نگاه کرد و گفت، «خب فرماندار، به من بگو، کی دیگه من را استخدام می کنه؟ کی دیگه من را استخدام می کنه؟» نه فقط آن آقای سوال را پرسید، بلکه همه افراد در آن عمارت پرسیدند. در واقع همه ۵۰/۰۰۰ کارکنان کارخانه هایی که در دهه

اول قرن بیست و یکم در آمریکا تعطیل شدند، این سوال را پرسیدند. معمای پیش چشم ما این است که چه ارگانی و چگونه می توان شغل برای جوانان کشور ایجاد کند؟ یا چه کسی می تواند بحران تغییرات آب و هوای جهانی را حل کند، در حالی که حتی یک سیاست ملی انرژی در کشور نداریم و داریم به بهانه رشد ملی در جهت آلودگی و گرم شدن جهان با سایر کشورها مسابقه می دهیم. لابد به نظر می رسد برنامه ریزی برای این ها وظایف کنگره است. در حالی که به نظرمی رسد کنگره ارگانی کند و نا کار آمد است و تضاد آرا در کنگره دیگر امری عادی شده؟ یک نظرسنجی که اخیراً برگزار شده، نرخ مقبولیت کنگره بین مردم را بسیار پایین برآورد کرده است.

من با خودم فکر می کردم تا زگی ها چه چیز اساسی از این آزمایشگاه دموکراسی بیرون آمده که به شکل زیر بنایی به مشکلات اجتماع رسیدگی کرده؟ چه دستورالعمل سیاسی ریشه ای، صادر شده که موجب رخ دادن تغییرات شده و هر دو حزب تأییدش کرده اند؟ خب اگر به عنوان مثال از شما بپرسم، کدام سیاست گذاری مدیریتی بوده که موجب تغییرات گسترده در سراسر کشور شده، چه می گوئید؟ ممکن است بگوئید، طرح بیمه درمانی اوباما، همان طور که می دانید، فقط نصف ایالت های آمریکا این طرح را به اجرا در آوردند. به نظر من تنها چیزی که موجب تغییر عمده سیاست گذاری ها شد، سرعت دادن به محرک های نوآوری و اصلاحات در سیستم آموزش و پرورش بود. چرا؟ چون دولت ۴/۵ میلیارد دلار گذاشت وسط و گفت هر کسی طرح خوبی برای بالا بردن سطح آموزش و پرورش بیاورد می تواند برای پیاده کردن طرحش از این بودجه استفاده کند. فرمانداران سراسر کشور، برای گرفتن سهم بیشتری از این پول رقابت کردند. قانون گذاران ایالتی متقاعد شدند که باید استاندارد ها را در دبیرستان ها افزایش دهند و برنامه آموزش آمادگی برای کالج ایجاد کنند. تمام ایالت ها به تکاپو افتادند و یک سیاست ملی آموزش و پرورش از سطح ابتدایی تا دانشگاهی خلق شد. ادامه در شماره آینده



کوچک که گرین ویل نام دارد و دارای ۸۰۰۰ نفر جمعیت است، به زودی کارفرمای اصلی خود را از دست می دهد، صنعت اصلی شهر کارخانه یخچال سازی الکترو لوکس است و مالکان آن می خواهند کارخانه را تعطیل کنند. من گفتم، «چند نفر در الکترو لوکس کار می کنند؟» او گفت «۳۰۰۰ نفر.» پس این یک شهر تک صنعت بود و ۳۰۰۰ نفر کارکنان این کارخانه به اضافه افراد خانواده آن ها و مشاغل وابسته، تقریباً می شد تمام اهالی شهر و الکترو لوکس قصد داشت که کارخانه را تعطیل کند و به مکزیک برود. من گفتم، «نگران نباش، ما می توانیم درستش کنیم. من با همه نمایندگان محلی به گرین ویل می رویم، و به الکترو لوکس پیشنهاد می دهیم که نتواند رد کند.» پس همه نماینده های ایالت را با خود بردم. اول با همه کله گنده های شهر کوچک گرین ویل دیدار کردم. شهردار، مدیران شهر، رییس کالج. در آخر با مدیران الکترو لوکس بر سر میز نشستیم و همگی مهره هایمان را روی میز گذاشتیم. انواع بسته های تشویق کننده، هر چه فکرتش را بکنید که الکترو لوکس را برای ماندن متقاعد کند. از پیشنهاد های دلغریب مان یک کپه درست کردیم و آن ها را آرام به آن طرف میز به سمت مدیریت الکترو لوکس هل دادیم. توی آن کپه چیزهایی مثل معافیت مالیاتی ۲۰ ساله یا تامین مالی برای احداث یک کارخانه جدید وجود داشت. اتحادیه ی کارگران هم امتیازاتی بی سابقه ای پیشنهاد داد. همه فداکاری کردند تا آن شغل ها در گرین ویل بماند.

مدیران الکترو لوکس انبوه پیشنهادها و لیست مشوق هایمان را دریافت کردند و برای ۱۷ دقیقه به بیرون اتاق رفتند. بعد برگشتند و گفتند، «اوه، این سخاوتمندانه ترین پیشنهادیه که تا به حال ما دیده یا شنیده ایم ولی حقیقت این است که ما در خوش مکزیک می تونیم فقط ۱/۵۷ دلار برای هر ساعت کار پرداخت کنیم، پس ما می رویم.» و رفتند. وقتی رفتند مثل این بود که یک بمب هسته ای در گرین ویل کوچک منفجر شد. در واقع، آن ها کارخانه را منهدم کردند. در روزی که آخرین یخچال از خط مونتاژ بیرون آمد کارکنان گرد همایی برگزار کردند که نامش را شام آخر گذاشته بودند. من به عنوان فرماندار ناکام و مایوس که نتوانستم جلوی از بین رفتن این شغل ها را بگیرم به این مراسم رفتم، می خواستم با آن ها سوگواری کنم، هزاران نفر آن جا بودند. مردم داشتند ناهار می خوردند، یک گروه موسیقی غمگین می نواخت.

یک آقای به سمت من آمد که خالکوبی و موی دم اسبی داشت و کلاه بیس بال به سر گذاشته بود، دو دخترش هم با او بودند، او به من گفت، «فرماندار، این ها دو تا دختر من هستند. من ۴۸ سالم است و ۳۰ سال در این کارخانه کار کرده ام. بعد از دبیرستان به

دلنگ دلنگ عجوزه

در تاریخ ۸ آوریل سال جاری خانم مارگارت تاجر تنها نخست وزیر زن بریتانیای کبیر معروف به بانوی آهنین، در سن ۸۷ سالگی درگذشت. با وجود این که ۲۳ سال از پایان دوران حکومت او می گذرد ولی در زمان مرگش دوباره بحث های زیادی در مخالفت و موافقت با سیاست های او که به تاجرسیم معروف شده بود در گرفت. جوانان مخالف او ترانه ای با نام دلنگ دلنگ عجوزه بر علیه او ساختند و از همه کسانی که از او متنفر بودند درخواست کردند آن قدر این ترانه را بخزند تا رتبه اول را در بازار موسیقی پیدا کند. این نشان می دهد تصمیم گیری های او در زندگی نسلی که در زمان نخست وزیری او حتی به دنیا نیامده بودند هنوز تاثیر گذار است. البته این آهنگ فقط تا رتبه دوم بالا آمد و اول نشد!

در طرف دیگر کسانی هم بودند که با شکوه و احترام جسد او را بدرقه کردند و معتقد بودند بعد از چرچیل بزرگ ترین سیاست مدار عصر حاضر انگلیس مارگارت تاجر بوده است. به راستی این دختر خواروبار فروش انگلیسی که به بالا ترین مقام اجرایی کشورش رسید چه کرده که تا این حد مورد علاقه و نفرت مردم قرار گرفت. از قرن ۱۵ میلادی کشور انگلستان مستعمرات زیادی در سرتاسر دنیا برای خود ایجاد کرد که منافع و امکانات این مستعمرات وسیع، به مدت ۴۰۰ سال به سوی جزیره کوچک انگلستان روانه می شد. در نتیجه ثروت عظیمی برای این کشور ایجاد کرد. بعد از استقلال هند و تعداد دیگری از مستعمرات و اتمام جنگ دوم جهانی، وقتی سر انگلستان در تقسیمات جهانی بین آمریکا و شوروی آن زمان تقریباً بی کلاه ماند و فقط هزینه های سنگین جنگ را متحمل شد، کم کم آثار کمبود نقدینگی در کشور ظاهر گردید. دولت های گذشته چون ثروتمند بودند خدمات اجتماعی فراوانی در اختیار مردم انگلستان قرار می دادند. صنایع را به سوبسید عادت دادند و بنده دولت را سنگین و بزرگ کردند. وقتی که آن درآمدهای سابق امکان پذیر نبود، دوره باقی می ماند مای توانستند چند سالی به روش گذشته خود ادامه دهند تا ورشکسته شوند و با این که یک نفر پیش قدم شود و شرایط واقعی را به مردم تفهیم کند و نظم قدیمی را تغییر دهد. سرانجام خانم تاجر مرد این میدان شد.

کاهش خدمات اجتماعی، حمایت از بازار آزاد، واگذاری سازمان های دولتی به بخش خصوصی، برخی از سیاست های مشهور او بود. در نتیجه این سیاست ها شرکت مخابرات، شرکت گاز و انرژی، شرکت هواپیمایی، شرکت برق و شرکت راه آهن از دولت جدا و به تملک بخش خصوصی در آمد. امری که تا چند سال قبل غیر قابل تصور به نظر می رسید. دولت همچنین تعهدش به ایجاد شغل را کاملاً رها نمود و اعلام کرد فراهم کردن شغل برای بیکاران به عهده کارفرمایان بخش خصوصی است. او مدارس و دانشگاه های مجانی را بسیار محدود کرد، سن بازنشستگی را بالا برد، مالیات ها را افزایش داد. در اثر این سیاست ها به عده ای از مردم فشار وارد شد و شروع به اعتراض کردند. مارگارت تاجر بر سیاست های خود پا فشاری کرد و به آن ها لقب «شُل ها» را داد. در یک دهه حکومت مارگارت تاجر، میلیون ها ساعت تعطیلی کارخانه ها به دلیل اعتصابات، به یک صدم تقلیل پیدا کرد، حالا کارفرمایان بخش خصوصی برای هر ساعت تعطیل شدن کار نگران بودند. میزان مالکیت سهام ۳ برابر شد و بعد از فروش خانه های ارزان قیمت دولتی به مستأجرانش، نرخ مسکن شروع به رشد کرد و بازار ساخت و ساز مسکن رونق پیدا کرد و بازار کار وسیعی ایجاد شد. البته در این میان عده ای از کار بی کار شدند. حقوق ایام بی کاری کاهش پیدا کرد. دیگر امکان این که کسی وقت خود را سر کار تلف کند بسیار اندک شد. حتی کارکنان اداره مالیات که قرن ها به صورت سنتی زیر نظر دولت و با کاغذ بازی و رخصت کار می کردند، به عنوان کارمندان قراردادی تحت اختیار بخش خصوصی قرار گرفتند. تمام این تغییرات باعث شد تا عده ای که منافع خود را از دست داده بودند و به خصوص گروه های چپ و کارگری با تاجر مخالف شوند، در مقابل کسانی که آینده نگر بودند و در دوره ای طولانی تر از مواهب رشد اقتصادی انگلستان استفاده کردند، موافق سیاست های او شدند.

دیگر دوران فراوانی و ارزانی آب در کشور ما به پایان رسیده، البته هنوز اکثر مردم در حال و هوایی زمانی زندگی می کنند که می شد شیر آب را باز کرد و تمام حیاط و کوچه را با آن شست، می شد ساعت ها شلنگ را پای گل و گیاه رها کرد تا خوب سیراب شوند، می شد اتومبیل را در حیاط خانه یا توی کوچه با آب فراوان شست. چون در اکثر نقاط کشور آب در لوله ها در جریان است و قیمت آن هم آن قدر ناچیز است که اصلاً به حساب نمی آید، مردم هنوز فکر می کنند آب به اندازه کافی و مستمر موجود است، ولی اکثر آن می دانند که به خاطر آبی که مصرف می کنند همه ساله چندین متر از ذخایر آب زیرزمینی کاسته می شود و چندین رودخانه، دریاچه، برکه و آبگیر در اثر این مصرف بی رویه خشک می شوند. مدیران آب کشور ناچارند دیر یا زود شرایط واقعی را به مردم انتقال دهند و با داشتن طرح و برنامه از هدر رفتن آب جلوگیری کنند. به طور حتم در این مسیر عده ای ناراضی خواهند شد و حتی ممکن است برای مسئولین شعر و ترانه هم بسازند ولی حتماً اکثریت با کسانی است که دورتر را می بینند و با درک شرایط، به کمک خواهند آمد و از مسئولین شجاع قدردانی خواهند کرد. برای همیشه نمی شود مشکل کمبود آب را کتمان کرد، بهترین راه حل مشکل آب، دادن آگاهی به مردم است.



استفاده از فلاش نانو دو زمانه
۵ لیتر صرفه جویی روزانه، اب برای هر نفر

گفتگو با مرصیه برومند کارگردان آب پریا

زمینه باید در خود مردم هم وجود داشته باشد. طبیعتاً آدم‌ها با فرهنگ‌های مختلف تأثیرات مختلف می‌گیرند.

شما شخصاً چقدر به محیط زیست اهمیت می‌دهید؟

همیشه توجه به محیط زیست را خیلی جدی می‌دونستم. ولی از جایی که دیدگه عقل رس شدم، مخصوصاً وقتی شروع کردم به کار هنری و فرهنگی، با خودم بیشتر فکر کردم، مثلاً بیشتر متوجه شدم و بیشتر عمل کردم. سر صحنه فیلم برداری گاهی ما اجباراً لیوان یک بار مصرف استفاده می‌کنیم و تو کوه و کمره و کوچه و خیابان هم کار می‌کنیم، من هرگز اجازه ندادم حتی یک نفر یک دونه لیوان بیاندازه توی طبیعت، یا توی دره و یا توی بیابون، دعوا کردم و برخورد کردم. حتی چایی را ممنوع کردم، بهشون گفتم تا شما فرهنگش رو نداشته باشید، منم بهتون چایی نمی‌دم. در همین برنامه برای این که زباله‌آفرینی نکنیم، اومدیم برای همه بچه‌های یکی یک دونه لیوان دائمی خریدیم. هر کسی هم اومد اسمش رو بر چسب زد که لیوان‌ها با هم

در طول ۵ سال و سه ماه که از عمر ماهنامه می‌گذرد و ۶۲ شماره‌ای که چاپ شده، ما حتی یک مطلب تکراری از خودمان یا از مطبوعات داخلی یا سایت‌های فارسی چاپ نکرده ایم، چون سیاست ما نو آوری و غیر تکراری بودن است و خواهد بود. ولی در این شماره از این روش تخطی می‌کنیم و مصاحبه خانم مرصیه برومند مربوط به آب آن سال ۸۹ را مجدداً چاپ می‌کنیم. چرا؟! چون زمانی که این مصاحبه چاپ شد، قرار بود سریال آب پریا به زودی پخش شود که این کار یک سال و نیم به تاخیر افتاد. حالا که سریال از تلویزیون پخش شده، شاید خواندن مجدد این مصاحبه خالی از لطف نباشد، به خصوص که صحبت‌های خانم برومند را مانند سریال هایشان می‌شود بارها دید و خواند و هر بار نکات جدیدی در آن کشف کرد. سردبیر

خانم مرصیه برومند کارگردان و بازیگر سرشناس، که سریال‌های شهر موش‌ها، خانه مادر بزرگه، آرایشگاه زیبا، هتل، شمسی و مادام و بسیاری کارهای زیبا و به یاد ماندنی دیگر

را در کارنامه خود دارد، سریال جدیدی به نام «آب پریا» آماده پخش دارد، که در ستایش محیط زیست است. «هر سال در پایان زمستان سه خواهر با نام‌های «آب پری»، «آب پری» و «آب پری» به زمین می‌آیند تا به استقبال بهار بروند. امسال «آب پری» نیامده و خواهرانش را نگران کرده. آن‌ها سعی دارند او را که به دام «پوش» دیو خشکسالی گرفتار شده آزاد کنند. این خط اصلی قصه «آب پریا» است به دلیل توجه ای که این هنرمند به مسائل محیطی دارد، در این شماره با او به گفتگو نشستیم.

پر داختن به مسئله محیط زیست، به پیشنهاد صدا و سیما بود یا پیشنهاد شما؟

پیشنهاد خود من بود. مسئله محیط زیست خیلی وقته که منو درگیر خودش کرده و باعث رنج و غصه من شده، ما خیلی در حق طبیعت جفا می‌کنیم. هم مردم و هم مسئولین، همه با هم برای تخریب طبیعت دست به دست هم داده ایم. خواست این که یک سریال یا فیلمی بسازم که مستقیماً مضمونش در ارتباط با محیط زیست باشه، همیشه تو برنامه‌هایم بوده. مدت‌ها پیش از طرف مدیر روابط عمومی سازمان



بود و معلوم بود خریدارش یه سی چهل هزار تومنی پول چلو کباب داده بود، نایلون و دیس و قاشق، چنگال پلاستیکی و پیاز و نون رو همین طور پرت کرده بودند. نکرده بودند بگذارند کنار جاده، در صورتی که نایلون همراهش بود و اون‌ها می‌تونستن بگذارند توش، من رفتم و جمع کردم. کاری که همیشه می‌کنم، چون من اطراف خلّه‌ام رو خودم تمیز می‌کنم. یه مدت هم نوشته بودم، دوستان عزیز که می‌آیید این جا گردش، لطفاً لطفاً آشغال هاتون رو نریزید. جالبه اینه که آدم‌های مختلف با فرهنگ‌های مختلف، با بینش‌های سیاسی مختلف، دیدگاه‌ها و طبقات مختلف بی توجه به محیط زیست هستند. یعنی فرق نمی‌کنه طرف مال طبقه پایینه، مستضعفه، مستکبره، پولداره، ماشینش چیه، نمی‌دانم تاکسی سواره، بنز داره، فرق نمی‌کنه همه با هم مشغول از بین بردن فضای زندگی خودشون، من دلم برای بچه‌های اون‌ها می‌سوزه.

به نظر شما چرا این اتفاق‌ها در کشور ما رایج است؟

به نظر من خیلی از مردم ما به مملکتشون علاقه ندارند، ایمان هم ندارند. نه ایمان دارن نه علاقه به مملکتشون. من این رو تو تلویزیون گفتم و پخش شد. اونم پخش مستقیم! البته بعدش آمدن به من گفتند خانم این‌ها رو نگو. منم گفتم می‌گم! روز بعد، همه گفتن خیلی خوب گفتی. چند روز بعد هم توی روزنامه همشهری نوشته بودند، به به خانم برومند چه چیزای خوبی گفت. به نظر آدمی که مملکتش رو دوست داشته باشه، سعی می‌کنه اون رو حفظ کنه، از آن حراست کنه. آموزه‌های دینی ما سرشاره از احترام به طبیعت. نان رو تو فرهنگ ما می‌بوسیدن و می‌گذاشتن کنار، چون از گندم و زمین به وجود آمده، چون برکنه و براش زحمت کشیده شده. برای این که از خاک در آمده، ولی آیا ما الان با اون روش زندگی می‌کنیم؟ نمی‌کنیم.

چندین سال است که یک نوع فرهنگ سازی ظاهراً کمندی در مورد ترافیک، آب یا انرژی مد شده. شما چقدر این فرهنگ سازی را موثر می‌دانید؟

من یک بار یک دیداری داشتم با سردار رویانیان، بابت

مسئله ترافیک و رانندگی بد و تلفات جاده‌ای. نزدیک به عید بود، ایشان می‌خواستند پیشگیری کنند، سردار رویانیان از کسانی هستند که وقتی چنین فجایعی به وجود می‌آید، دلش می‌سوزه و از صمیم قلب ناراحت می‌شوند. دلش می‌خواست یک کاری بکنه. ایشان برای من یک آمار داد از تصادفات و تائیراتی که مثلاً مردن یک آدم در اجتماع می‌گذاره چند تا خانواده بدبخت می‌شوند. یکی معتاد می‌شه، یکی دخترش از راه به در می‌شه. خانواده‌ها فقیر می‌شوند، همه این‌ها در اثر یک تصادف اتفاق می‌افته. به من گفتند شما بیا یک برنامه عروسکی بساز و من گفتم این مسائل به عروسک نمی‌خوره. باید خودتون بیابین توی تلویزیون این‌ها رو به مردم مستقیماً بگین. عروسک قضیه رو شوخی می‌کنه. خیلی تراژدی عمیق تر از این حرف‌هاست که ما بیابیم با عروسک و انیمیشن مسئله را مطرح کنیم. حالا شاید این برنامه یه قشری از بچه‌ها رو سرگرم کنه، یه تائیراتی هم بگذاره. ولی یه وقتاً باید مستقیم حرف زد. اخیراً یک سری شعارهای زیر نویسی می‌بینم، اون‌ها به نظرم خوبه. به نظر من تائیر می‌گذاره. خیلی خوبه وقتی می‌نویسه ظروف پلاستیکی تون رو نریزین تو طبیعت، مردم می‌خوانند. یا مثلاً شعارهای رادیو پیام در برنامه زمین را دوست بداریم. همیشه یک نکاتی رو می‌گه که به نظرم موثره.

با ساختن این سریال امیدوارید در فرهنگ سازی چه کسانی موثر باشید؟

خوب من امیدوارم که اولاً بیننده خوب و زیاد داشته باشه و آن قدر جذاب باشه که بیننده پای تلویزیون بشینه، بعد بفهمه ما داریم چی می‌گیم. این اتفاقی که برای محیط زیست داره می‌افته مقررش همه هستند. پیر و جوان، کوچک، بزرگ و بچه، مسئول و غیر مسئول، همه و همه. زمان فیلم برداری تو بیابون من نمی‌گذاشتم حتی یک فیلتر سیگار یا پلاستیک توی بیابون بیفته حتی یک دونه. اما تو همین گروه کسی بود که دور از چشم من لیوانش را پرت می‌کرد، توی صحرا. یه آدمی که سر گروه هم بود. بالاخره یه آدمی که کار هنری می‌کنه، سر گروه هم هست، این چه لجبازی که با خودش و طبیعت داره؟ امیدوارم روی اون آدم هم تاثیر بگذاره. مخصوصاً امیدوارم این کار روی مسئولین تاثیر بگذاره. من کتاب فروشی هد هد رو که ساختم یه موجی به وجود آمد که در اتوبوس‌ها کتاب گذاشتن، تو مترو کتاب گذاشتن. گرچه اون یه موج بود، آمد و رفت، ولی بالاخره اتفاق افتاد. دلم می‌خواد که مثلاً شورای یک ده یا روستا، با برنامه ریزی خیلی کم خرج همان دو سه جایی که می‌شه رفت دم رودخانه و مردم کثیفش کردن، را تمیز بکنند. اگر من وقت داشته باشم حتماً این کار رو خواهم کرد، یه روزی راه می‌افتد با دوستان برای نظافت اطراف رودخانه‌ها. همین کاری که بچه‌ها تو کوه و کمره می‌کنند. اگر چهار تا کارگر هم بگیرم این نایلون‌ها و زباله‌ها را جمع کنیم، چیز عجیب و سختی نیست، من دیدم که یک خانواده ای وسط همین زباله‌ها زیر انداز انداخته بودن و غذا می‌خوردند! اصلاً مهم نبود برایشون کجا نشستن. این منظره‌ها خیلی ناراحت کننده است و من امیدوارم این سریال روی همه تاثیر بذاره. روی همه.

با تشکر از وقتی که در اختیار ماهنامه ما قرار دادید.



قاطی نشه. این خیلی بده که یک گروه فیلم برداری یا یک هیئت عزاداری، اون منظره فحیح رو از خودشون به جا می‌گذارند. یه بار به چند تا جوان برای جمع کردن آشغال‌ها تذکر دادم. گفتند خوب ما چکار کنیم، مردم این طوری می‌کنن. گفتم یکی تون شربت بدین یکی تون بگه لیوان رو ننذازین تو خیابان. من رفتم، برگشتم دیدم این اتفاق افتاده. یکی شربت می‌داد، یکی دیدگه به مردم می‌گفت لیوان رو بندارین توی سطل. بنابر این مجبوریم از خودمون شروع کنیم و جلوی این فجایع رو بگیریم. مثلاً وقتی میرم میوه فروشی، نمی‌گذارم خیار و گوجه را توی چند تا کیسه بریزند. می‌گویم همه را بریز توی یه نایلون، ما سال هاست در منزل تفکیک زباله می‌کنیم. سال هاست که باز یافتی‌ها رو به دکه باز یافتی تحویل می‌دهیم. البته چون زیاد توجه می‌کنم، بیشتر هم رنج می‌برم. من در طی این فیلم برداری وقتی رفتم کنار جاجرو، اشکم درآمد. از بس زباله ریخته بودند.

پس شما معتقد هستید که در مورد رعایت مسائل محیط زیست باید ابتدا از خودمون شروع کنیم.

دقیقاً، دقیقاً باید از خودمون شروع کنیم ولی به دیگران هم باید تذکر بدهیم. من خانه‌ام یه جایی است که دورش بیابونه و یه ذره خوش منظره است. خیلی‌ها میان اونجا واسه تفریح و بعد می‌خورن و می‌ریزن. جمعه گذشته، یک نایلون چلو کباب که مال یک چلو کبابی معروف

آب، آقای واقفی که بسیار فرد فهمیده و شریفی بودند، به من پیشنهاد شد کاری در رابطه با آب بسازم. هر چند می‌دانستم بوجه سازمان آب برای سریال سازی کافی نیست، ولی چون خیلی اصرار کردند، قبول کردم و طرح «آب پریا» را ارائه دادم. خیلی خوششان آمد. متأسفانه آقای واقفی عوض شد و کار با تکلیف ماند. روابط عمومی بعدی شکل نگاهش به ماجرا خیلی فرق می‌کرد و من با ایشان به توافق نرسیدم. آقای فرجی یکی از مدیران شبکه دوسیم، گفت خودمون این سریال را می‌سازیم و پی‌گیری کرد. در زمان ایشان صحبت‌های اولیه انجام شد و زمینه شروعش فراهم شد، ولی در دوران آقای برازش کار به نتیجه رسید و ما شروع کردیم.

آیا تمرکز سریال «آب پریا» با توجه به اسمش، فقط بر روی مسئله آب است؟

نه اسم آب پریا به خاطر این است که ما در اون زمان می‌خواستیم برای سازمان آب کار کنیم و طبیعتاً قرار بود بیشتر بحث آب را بکنیم، اما وقتی شروع کردیم به نگارش قصه، فهمیدیم، نمی‌شود فقط روی بحث آب تاکید کنیم، چون مسائل محیط زیست همه مثل زنجیر به هم متصل هستند. همیشه آب رو جدا از هوا و جدا از خاک، خاک رو جدا از جنگل بررسی کرد. هر چند اسم سریال، آب پریا ماند، ولی در واقع سه تا پریا، هر کدوم سنبل یک چیز هستند و نگیهان یکی از عناصر طبیعی، توی این کار به اکثر خطراتی که محیط زیست رو تهدید می‌کنه توجه کردیم. مثلاً ما بحث آلودگی رودخانه‌ها را داریم. بحث حیات وحش را داریم. یکی از قسمت‌ها، مربوط به نگهداری از گونه‌های جانوری، مخصوصاً گوزن زرد هست، بحث آلودگی خاک، بحث زباله خیلی مطرح شده. بحث قطع درخت‌های جنگل هست، آلودگی هوا و تقریباً می‌تونم بگم سعی کردیم یک نگاه جامع داشته باشیم به موضوعاتی که در زمینه مسائل زیست محیطی مهم هستند. وقتی ما بحث خشک شدن دریاچه‌ها رو می‌کنیم، خشک شدن دریاچه، فقط به آب مربوط نمی‌شه. به اکوسیستم مربوط میشه و به زندگی یک تعداد پرنده مهاجر.

فکر می‌کنید تا چه حد یک کار فرهنگی می‌تواند در مردم موثر واقع بشود؟

واقعاً تا یه زمانی من فکر می‌کردم که خیلی تاثیر نذاره و مردم کار خودشون را می‌کنند و خیلی به ندرت ممکنه روی کسی اثر بگذاره. ولی در این دوسه سال اخیر یه چیزایی رومتوجه شدم که خیلی برام جذاب و مسئولیت‌آفرین بود. یعنی وقتی می‌بینیم خونه‌مادر بزرگه در شکل گیری شخصیت جوان‌هایی که اون موقع بچه بودند، موثر بوده وقتی می‌بینم این قدر روشن تاثیر گذاشته و جزئیات، به دقت یادشونه، امیدوار تر می‌شم. باورتون نمی‌شه تو همین چند وقت گذشته شاید سه - چهار تا جون ۲۷ یا ۲۸ ساله به من گفتن «وای مخمل که عاشق نبات شده بود. می‌خواستونش». شاید من دیگر یادم نباشه اما اون یادشون بود. به هر حال توی ناخودآگاهشون تاثیر می‌گذاره. حتماً تاثیر می‌گذاره. حتماً سؤال تو ذهنشون به وجود میاره. این که فکر کنیم کار فرهنگی تاثیر گذار نیست، خیلی ناراحت کننده است. چون کار خودمون میره زیر سؤال. این سؤال پیش می‌آید که در این سال‌ها، ما چی کار کردیم، حتماً تاثیر می‌گذاره، ولی خوب زمینه تاثیرش هم باید فراهم باشه. به هر حال اون

تمرکز، راهی برای فرار از پریشانی

تمرکز ذهن، نه تنها کلید موفقیت در کارها است، بلکه شاه راهی به سوی بسیاری از شادمانی ها و خرسندی ها است. افرادی که ذهنی سرگردان و پریشان دارند از یک غمگینی و افسردگی عمومی رنج می برند و این سرگردانی ذهنی تاثیر بسیار شدیدی روی سلامت روانی آن ها دارد.

بعضی از عواملی که تمرکز شما را به هم می ریزند منشأ ذهنی و درونی دارند و از اندیشه خود شما ناشی می شوند و بعضی دیگر منشأ محیطی و بیرونی دارند و از اطراف شما نشأت می گیرند.

یادآوری خاطرات و تخیلات گوناگون و تجزیه و تحلیل مسائل خارج از چارچوب موضوعی که مشغول کار بر روی آن هستید، جزء عوامل حواس پرتی و برهم زنده تمرکز درونی هستند. عواملی مانند سر و صدا، حضور افراد مزاحم و آشفتگی مکان کار از عوامل بیرونی به حساب می آیند.

در اینجا شش عامل شایع بر هم زنده تمرکز و نحوه مقابله با آن ها را شرح می دهیم:

۱- چندکاری (multitasking)

افرادی که هم زمان چند کار انجام می دهند شاید احساس کنند که راندمان بیشتری دارند، اما تقریباً همیشه انجام چند کار به طور هم زمان وقت بیشتری را تلف می کند.

نتیجه آزمایش پژوهشگران دانشگاه میشیگان و سازمان هوانوردی آمریکا در سال ۲۰۰۱ در ژورنال «روانشناسی تجربی» منتشر شد. در آن آزمایش عده ای در حال حل مسائل ریاضی، باید اجرام هندسی را هم طبقه بندی می کردند و عده ای دیگر این دو کار را به ترتیب انجام می دادند. این پژوهشگران دریافته اند افراد گروه اول هنگامی که بین این دو وظیفه جا به جایی شدند زمان را از دست می دادند و هر چه این کارها پیچیده تر می شد، زمان بیشتری در هنگام جا به جایی هدر می رفت.

کلید حل مشکل در مورد انجام چندکار با هم این است که به طور گزینشی عمل کنید، برای مثال صحبت کردن با تلفن، هنگامی که دارید لباس درون ماشین لباس شویی می ریزید، مشکل چندانی ایجاد نمی کند، اما صحبت با تلفن در هنگام کاری که نیازمند تمرکز بالاست، یا هنگام خواندن یک گزارش، حواس تان را از هر دو کار پرت خواهد کرد.

۲- ملال و کسالت

انجام کارهای ملال آور توانایی شما را برای تمرکز کاهش می دهد و شما را در معرض حواس پرتی قرار می دهد. هنگامی که کار کسالت باری را انجام می دهید، تقریباً هر چیز دیگری برایتان جذاب تر از انجام آن کار است.

برای حل این مشکل می توانید به خودتان پاداش های کوچکی بدهید، برای مثال برای ادامه دادن آن کار، پس از زمان معینی، با خوردن قهوه یا میوه به خود جایزه بدهید.

همچنین می توانید زمان هایی در میان کار برای استراحت، برنامه ریزی کنید. برای مثال ۱۰ دقیقه پیاده روی در هوای آزاد، به این ترتیب شما چیز دل خواهی دارید که در ضمن کاری ملال آور، انتظارش را بکشید و فرصتی برای تجدید قوا پیدا کنید.



۳- عوامل ذهنی حواس پرتی

عوامل ایجاد کننده حواس پرتی، افکاری هستند که در ذهن شما جریان دارند و می توانند تاثیری قوی بر روی شما داشته باشند. یک راه برای خلاص شدن از این افکار آزار دهنده، ثبت کردن سریع آن ها به صورت یادداشت است. برای مثال کار هایی که ذهن تان را مشغول کرده، به فهرست کارهای ضروری تان اضافه کنید و دیگر به آن فکر نکنید. اگر در مورد مسئله خاصی تحت استرس هستید، زمانی را برای صحبت کردن در مورد آن با فردی مورد اعتماد اختصاص دهید. اگر شنونده ای حمایت کننده و فعال داشته باشید، به تخلیه برخی از تنش هایی که ذهن تان را آزار می دهد، کمک خواهد شد.

کار هایی مثل یوگا نیز می تواند به شما کمک کند. در یوگا شما یاد می گیرید که افکار مزاحم را کنترل کنید، به این ترتیب آن افکار نمی تواند تاثیر زیادی روی تمرکز شما داشته باشند. یک بررسی در سال ۲۰۰۷ نشان داد افرادی که در یک دوره هشت هفته ای یوگا شرکت کرده

نداریم. گویی که ابتدا باید همه دانایی ها و توانایی ها را داشته باشیم تا دست به کاری بزنیم. این که بگوییم من چون همه چیز را نمی دانم نتوانستم کاری را انجام بدهم، بهانه ای بیش نیست. هر گاه ما به اندازه لازم و تا حدودی در مورد کاری آگاهی پیدا کنیم، برای شروع و به پایان رساندن آن کار کافی است. ما همان قدر که با اصول اولیه آشپزی و رانندگی آشنا باشیم، می توانیم اقدام به آشپزی یا رانندگی کنیم. سپس در طول زمان، با تمرین به مهارت های خود خواهیم افزود. این یک قانون است که نوع کامل و بدون نقص برای هیچ نوع آگاهی وجود ندارد.

سوء تفاهم دوم این است که هر اتفاقی که بیافتد، به خصوص اگر بد و ناگوار باشد، معتقد باشیم این اتفاق دارای حکمتی بوده است. مثلاً اگر با شخصی تصادف کنیم و او بمیرد با خود بگوییم حکمتش این بوده که اگر این فرد زنده می ماند ۱۰ نفر را می کشت. این ها یک مقدار بهانه گیری های خودخواهانه است. اگر قرار بود هر کار بد و ناشایست و غلطی دارای حکمتی بود، دنیا ظرف چند روز به کمال می رسید و دیگر هیچ چیز خراب و ناقص به وجود نمی آمد، چون حکمت های قبلی، آن بدی را خنثی کرده بود. همین قدر که من فکر می کنم اگر در امتحان مردود شدم، اگر به دانشگاه راه نیافتم، اگر پسرم کشته شد، اگر دخترم فلج شد، حتماً در این ها حکمتی است این طرز فکر خطرناک است. در حالی که این ها فقط اتفاقات بدی هستند که باید به عنوان یک اتفاق بد پذیرفته شوند، تا بتوان از تکرار آن ها جلوگیری کرد.

یکی دیگر از ابزار موفقیت مهارت است. هرگاه چرا و چه، را تبدیل به چگونه کنیم کاری انجام داده ایم و راه کاری پیدا کرده ایم، که این فرآیند احتیاج به مهارت دارد و در اثر مهارت است که کار آمد و کارا می شویم. پس برای موفقیت باید آگاهی یک کاری را داشته باشیم، سپس این آگاهی را به توانایی تبدیل کنیم، این آگاهی در بیشتر اوقات به وسیله تمرین تبدیل می شود به مهارت. البته اکثر مردم مهارت را با تجربه اشتباه می کنند. یکی از خطرناک ترین مفاهیم برای انسان و جوامع بشری تجربه است. مثلاً

بودند، توانستند توانایی متمرکز کردن توجه شان را بهبود بخشند.

۴- مزاحمت های الکترونیکی:

اگر به طور مداوم به دنبال چک کردن ایمیل یا اس ام اس یا موبایل تان هستید، به سادگی حواس تان پرت می شود. اگر در حال انجام کاری هستید که نیاز به تمرکز دارد، هر بار که پیامی از این گونه وسایل می شنوید، رشته افکار تان از هم گسیخته خواهد شد.

ما اغلب احساس می کنیم به محض دریافت یک ایمیل، یا پیام متنی یا زنگ تلفن، باید پاسخش را بدهیم. اما کارشناسان می گویند باید حدی را تعیین کنید تا نگذارید تکنولوژی شما را کنترل کند.

زمان هایی را در روز اختصاص دهید تا در آن بتوانید بدون مزاحمت های الکترونیکی بر کار تان متمرکز شوید. برای چک کردن ایمیل یا ماسیج هایتان زمان مشخصی را تعیین کنید، (نه این که به طور مداوم آن را تحت نظر داشته باشید) و در بقیه اوقات از ایمیل تان خارج شوید و صدای اس ام اس را قطع کنید.

۵- خستگی:

بسیاری از بررسی ها نشان می دهند که کم خوابی، حافظه کوتاه مدت و تمرکز را مختل می کند. هنگامی که از خواب محروم می شوید، میزان تمرکز و توجه تان افت می کند. نیاز به خواب در میان افراد متفاوت است، اما اغلب افراد بزرگسال نیاز به ۷ تا ۹ ساعت خواب شبانه دارند. دست کم ۷ ساعت خواب به شما کمک خواهد تا در طول روز متمرکز بمانید.

همچنین سعی کنید کارهایی که نیاز به تمرکز بیشتر دارند را در ساعاتی از روز انجام دهید، که احساس بیشترین هشیاری را دارید. به ریتیم زیستی خود توجه کنید و زمان هایی از روز که برای شما بهترین موقع برای کار است را پیدا کنید.

۶- مسائل پزشکی و اثرات داروها

اگر توانایی تمرکز شما مختل شده یا اگر متوجه علائمی جسمی مانند بی خوابی یا اضافه وزن شده اید، با دکتر تان مشورت کنید.

اختلال تمرکز ممکن است ناشی از بیماری هایی مانند اختلال بیش فعالی و کم توجهی (ADHD)، افت تنفس حین خواب، افسردگی، کم خونی یا بیماری تیروئید باشد.

برخی از داروها مانند داروهایی که برای درمان افسردگی، صرع یا عفونت های آفلوآنزا به کار می روند، ممکن است به عنوان یک عارضه جانبی باعث اشکالات تمرکز شوند.



وقتی می گوئیم این جراح ۲۰ سال است که جراحی می کند، نمی توانیم بگوییم او خیلی تجربه دارد، در واقع او خیلی تمرین دارد. مفهوم تجربه غالباً خالی از علم، بی جهت و بی هدف است. روش تجربه این است که به صورت زنده و با سعی و خطا و تصادفی، کاری را انجام دهد، سپس بر اساس یک حادثه نتیجه گیری کند و از آن قاعده و قانون بسازد. همان گونه که می بینید این روش می تواند بسیار پُر اشتباه و خطرناک باشد. ما بسیاری از تجربیات را دیده ایم که در طول زمان مشخص شده که غلط و غیر علمی و حتی خطرناک بوده اند. ولی به دست آوردن مهارت به وسیله تمرین علمی یک روش امتحان شده است.

تمرین تا جایی باید ادامه پیدا کند که اصول و مبانی یک کاری را حفظ بشویم. مثلاً در یک رشته کاری یا رشته تحصیلی اگر شما مهارت پیدا کنید، مانند ساختمانی خواهید شد که پایه بسیار قوی دارد و بر روی آن هر چقدر که بخواهید می توانید طبقات اضافه کنید ولی اگر پایه آن سست باشد هر چه که بسازید زمانی فرو خواهد ریخت. شما می توانید مهارت را از طریق گفتگو و حضور در جلسات بحث و مناظره به دست آورید. یکی از بهترین شیوه های به دست آوردن مهارت آموختن آن به دیگران است. زمانی که شما مطلبی را تدریس می کنید، به بهترین شکل، دقیق و صحیح آن را می آموزید و در آن مهارت پیدا می کنید.

رازهای موفقیت (قسمت سوم)

قسمت اول و دوم رازهای موفقیت در شماره های ۶۰ و ۶۱ ماهنامه چاپ شد. شما اگر علاقه مند باشید می توانید برای دست یابی به این قسمت ها، به سایت WWW.KWCIRAN.COM به بخش آرشیو ماهنامه مراجعه کنید. در این شماره قسمت سوم این مقاله تقدیم می شود.

یکی از عوامل مهم برای دستیابی به موفقیت داشتن آگاهی است. تعریف دقیق آگاهی کار پیچیده ای است. به همین دلیل با معرفی اجزاء مهم آگاهی و بیان معنی مخالف آن، سعی می کنیم مفهوم آگاهی را روشن کنیم. آگاهی متضاد با جهل است ولی مترادف با علم نیست و توانایی یکی از عوامل و پیش شرط آگاهی است. ما وقتی می توانیم توانا باشیم که آگاه باشیم. اما عکس این جمله خیلی درست نیست. اگر آگاه باشیم به این معنی نیست که توانا هم هستیم. بسیاری از علما هستند که بسیار بسیار آگاه هستند ولی اصلاً توانا نیستند. هر چند که می گویند «توانا بود هر که دانا بود» ولی شاید بهتر بود اگر وزن شعر به هم نمی خورد می گفتند «دانا بود هر که توانا بود». در دنیای امروز بسیاری از افرادی که یک دهم آگاهی دیگران را از طریق تکنولوژی به کار گرفته به توانایی های درخشانی رسیده اند، در حالی که صاحبان آن آگاهی ها به آن درجه از توانایی نرسیده اند. بعضی از مدیران هستند که افراد دانا و آگاهان را به کمک می گیرند و آن ها را درگیر فعالیت هایی می کنند که خودشان از آن سررشته ندارند و نمی دانند آن فعالیت ها دقیقاً چیست، اما در آخر همین مدیران هستند که کار را به نتیجه می رسانند. درست مانند راننده ای که از اصول موتور اتومبیل آگاهی ندارد ولی پشت فرمان می نشیند و مسابقه اتومبیلرانی سرعت را می برد، ولی سازنده آن اتومبیل که آگاهی کاملی از عملکرد آن دارد، هنوز یک بار هم روی پیست نرفته.

در مورد توانایی همیشه دو سوء تفاهم وجود دارد. اولی این است که ما فکر می کنیم یا به ما می گویند کاری را نباید انجام بدهیم مگر این که همه چیز مربوط به آن را بدانیم. این بزرگترین ترمز پیشرفت انسان ها است. اگر به بسیاری از ما بگویند چرا کسب و کاری شروع نمی کنید؟ چرا بچه دار نمی شوید؟ چرا ورزش خاصی را شروع نمی کنید؟ پاسخ معمولاً این است که ما به اندازه کافی در این مورد دانایی و توانایی

خبر و نظر

با پرداخت سوبسید به برق و آب نمی توان کشور را اداره کرد

مجید نامجو وزیر نیرو هشدار داد: تا وقتی که دولت بنا بر هر مصلحتی یارانه به بخش برق می دهد ما متأسفانه توفیق پیدا نمی کنیم. وی با اشاره به سرمایه گذاری سنگین مورد نیاز در بخش انرژی های نو اظهار کرد: بازگشت سرمایه وقتی منطقی است که قیمت انرژی واقعی باشد. تا وقتی که دولت به بخش برق یارانه می دهد نمی توانیم در بخش انرژی های نو اقدام موثری انجام دهیم. وی با تأکید بر این که قانون افزایش قیمت در مجلس تصویب شده است، گفت: باید بین دولت و مجلس توافقی صورت گیرد و این کار ملی بزرگ، انجام شود. کشور را با این وضع نمی شود اداره کرد. وزیر نیرو افزود: قانون به ما اجازه افزایش قیمت نمی توانیم کاری کنیم و مجبوریم با همین وضعیت کشور را اداره کنیم.

عرب نیوز
ماهان KWC: آقای وزیر هر آنچه را که در مورد صنعت برق گفته اند دقیقاً در مورد آب نیز صدق می کند. با شرایط فعلی با در نظر گرفتن نرخ تورم، قیمت آب نسبت به سه سال قبل کمتر شده و دیگر نه انگیزه سرمایه گذاری مانده و نه دلیلی برای صرفه جویی.

اصلاح الگوی مصرف آب باید از جانب مشترکان آغاز شود

محسن صالح دبیر کمیته مدیریت مصرف آب شرکت آبفای استان اصفهان گفت: محدودیت منابع تامین آب، تغییر گسترده اقلیم، به ویژه در رژیم بارش، استمرار خشکسالی و رشد فزاینده تقاضای آب در همه بخش های شرب، صنعت و کشاورزی، مهم ترین عللی است که جایگزینی مدیریت تقاضا به جای مدیریت عرضه را الزامی کرده است و گفت: مدیریت تقاضا نیاز به فرهنگ سازی دارد و سر اول این رشته در دست مصرف کنندگان است و به همین دلیل اصلاح الگوی مصرف باید از جانب مشترکین آغاز شود.

خبرگزاری موج
ماهان KWC: سخنان مدیر محترم بسیار سنجیده است، ولی تا زمانی که ابزار کار فراهم نشود فقط با خواهش و ارشاد که نمی شود امیدوار به حل مشکل بود. بستن کمر بند در اتومبیل ها را به خاطر بیاورید. اگر نصب کمر بند در اتومبیل ها اجباری نمی شد و پلیس متخلفین را جریمه نمی کرد، آیا فقط با ارشاد و فرهنگ سازی همین ۷۰ درصد هم رعایت می کردند.

گونه شیر ها تا کنون در محیط های عمومی و بیمارستانی بوده است. ثانیاً بیشترین صرفه جویی در مصرف آب را ایجاد می کنند. چون اجازه نمی دهند در زمان هایی که به آب احتیاج نیست، آب بیهوده مصرف شود.

امروزه مصرف شیرهای اتوماتیک در جهان به شکل چشم گیری رو به افزایش است و آمار فروش آن در دنیا همه ساله به صورت تصاعدی افزوده می شود.

در ایران نیز استقبال از شیر هوشمند یا اتوماتیک روز افزون است. حدود ۸ سال پیش که شرکت KWC ایران اقدام به فروش شیر اتوماتیک در ایران کرد، سالیانه فقط چند صد شیر می فروخت، ولی این رقم در سال های اخیر به چند هزار افزایش یافته و علاوه بر محیط های بیمارستانی، آزمایشگاه ها، دندان پزشکی ها و مکان های عمومی مانند فرودگاه ها و رستوران ها اینک اهمیت صرفه جویی و بهداشتی بودن این شیر ها برای مصرف کنندگان خانگی نیز آشکار شده و در سال های اخیر برای منازل نیز از شیر هوشمند استفاده می کنند. به همین دلیل شرکت KWC ایران، تنوع شیرهای هوشمند خود را افزایش داده است.



در این شماره با انواع شیر اتوماتیک KWC موجود در بازار آشنا می شوید. با توجه به این که هم اکنون انواع دوش الکترونیکی نیز در حال تست و آماده سازی برای عرضه به بازار است که بعد از آماده شدن، دوش الکترونیکی نیز به شما معرفی خواهد شد.



دومو الکترونیک

دومو الکترونیک LED

آکوآ الکترونیک

معرفی شیرهای هوشمند KWC

در تمدن های باستان آب رودها و چشمه ها به وسیله کانال هایی به طرف مرکز تجمع جمعیت انتقال پیدا می کرد، سپس برای سهولت برداشت، آب در حوضچه ای ذخیره می شد و از آن جا به وسیله یک لوله سنگی یا سفالی



به خارج ریخته می شد. بعضی از اوقات وقتی نیاز به برداشت آب نبود جهت پُر شدن حوضچه و ذخیره کردن آب، جلو لوله را مسدود می کردند. این اولین نمونه شیر آب در جهان بود. نخستین شیر آبی که کشف شد مربوط به ۵۵۰۰ سال قبل است و در منطقه بین النهرین پیدا شده و جنس آن از سفال است. اولین شیر فلزی که جنس آن از برنج است مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل می شود و در مصر کشف شده.

مکانیزم شیر از همان زمان تا اواخر قرن بیستم تغییر اساسی نکرد، یعنی یک اهرم درپچه خروج شیر آب را به وسیله نیروی دست انسان به تدریج باز یا بسته می کرد. این مکانیزم حتی در شیرهای دارای کارتریج و تک محوره هم تغییر اصولی نکرد.



در سال ۱۹۸۰ برای اولین بار در دست شویی یکی از فرودگاه های آمریکا از شیرهای استفاده شد که با نزدیک شدن دست به آن آب شروع به ریختن می کرد و با دور شدن دست، ریختن آب متوقف می شد. این کار کاملاً اتوماتیک بود و به هیچ نیروی انسانی نیاز نداشت. این گونه بود که بعد از قرن ها تحولی اساسی در ساخت شیر



آب به وجود آمد. این شیرها که به عنوان شیر برقی، شیر چشمی، شیر الکترونیک یا شیر اتوماتیک شناخته می شود، به جز سهولت استفاده، از دو مزیت مهم برخوردار هستند. اولاً بهداشتی هستند چون بدون تماس دست کار می کنند به همین دلیل بیشترین استفاده این

قرن ها تحولی اساسی در ساخت شیر آب به وجود آمد. این شیرها که به عنوان شیر برقی، شیر چشمی، شیر الکترونیک یا شیر اتوماتیک شناخته می شود، به جز سهولت استفاده، از دو مزیت مهم برخوردار هستند.

معرفی کتاب

خانم مهندس فاطمه ظفر نژاد که مدتی طولانی در شرکت مهتاب قدس مشغول فعالیت بودند و اکنون چند سالی است که در بخش خصوصی کار می کنند از جمله متخصصانی هستند که با ساخت بی رویه سد مخالف و معتقد به توسعه پایدار در مدیریت آب هستند. از ایشان دو کتاب به بازار نشر آمده که یکی را ترجمه و دیگری را تألیف کرده اند. کتاب «مدیریت و اقتصاد محیط زیست» نوشته اسکات جی کلان و جان توماس که از طرف جهاد دانشگاهی مشهد چاپ شده، ترجمه خانم ظفر نژاد است و کتاب توسعه پایدار و مدیریت آب (پیامد های ناسازگار الگوی توسعه نا بومی در بخش آب با سد سازی) تألیف ایشان و از همان ناشر است. مطالعه این دو کتاب را به دوست داران محیط زیست و مدیران آب کشور توصیه می کنیم.



آنچه در مدرسه به ما نمی آموزند

بیل گیتس هر از گاهی در دانشگاه ها و دبیرستان های آمریکا با دانشجویان و دانش آموزان ملاقات دارد و برای آن ها سخنرانی می کند. گیتس در یکی از دبیرستان های آمریکا خطاب به دانش آموزان جمله ای گفت که خیلی سروصدا کرد. او گفت در دبیرستان های آمریکا خیلی چیزهای لازم را به دانش آموزان نمی آموزند. او در ادامه سخنرانی اش هفت اصل مهم را که دانش آموزان در دبیرستان فرا نمی گیرند به شرح زیر نام برد:

اصل اول: در زندگی هیچ چیز عادلانه نیست و بهتر است با این حقیقت کنار بیایید.
اصل دوم: دنیا هیچ ارزشی برای عزت نفس شما قائل نیست. در این دنیا از شما انتظار می رود قبل از این که نسبت به خودتان احساس خوبی داشته باشید کار مثبتی انجام دهید.

اصل سوم: پس از فارغ التحصیل شدن از دبیرستان و استخدام شدن، کسی به شما حقوق فوق العاده زیادی پرداخت نخواهد کرد. قبل از آن که بتوانید به مقام و موقعیت بالاتری برسید، باید برای آن مقام و مزایای آن زحمت بکشید.

اصل چهارم: اگر فکر می کنید آموزگارتان سخت گیر است در اشتباه هستید. پس از استخدام شدن متوجه خواهید شد که رییس شما سخت گیرتر از آموزگارتان است، چون امنیت شغلی آموزگارتان را ندارد.

اصل پنجم: آشپزی در رستوران ها، باغبانی، فروشندگی با غرور و شأن شما تضاد ندارد. پدر بزرگ های ما برای این کار اصطلاح دیگری داشتند، از نظر آن ها این کارها یک فرصت بود.

اصل ششم: اگر در کارتان موفق نیستید، والدین خودتان را ملامت نکنید. از نالیدن دست بکشید و از اشتباهات خود درس بگیرید.

اصل هفتم: قبل از آن که شما متولد بشوید والدین شما هم، جوانان پر شوری بودند و شاید هرگز به قدری که اکنون به نظر شما می رسد ملال آور نبوده اند.

سردبیر: شهریار بدیعی
گرافیک: احمد غلامی
عکس: الهه طلوعی
لیتوگرافی و چاپ: آهو
تهیه شده در مشار ایران ۸۸۸۲۲۸۶۰
moshariran@yahoo.com
استفاده از مطالب ماهنامه بدون ذکر ماخذ، بلا مانع است
شمارگان کاغذی: ۴۵۰۰ نسخه شمارگان الکترونیک: ۲۰۰۰ ایمیل

خسارت ۸ میلیارد دلاری آلودگی هوا به کشور

دکتر یوسف رشیدی مدیر عامل شرکت کنترل کیفیت هوا با بیان این که ما تلنباری از قوانین اجرا نشده در حوزه آلودگی هوا در کشور داریم، گفت: آلودگی هوا سالانه ۸ میلیارد دلار خسارت در ایران به دنبال دارد و سبب مرگ ۴ تا ۵ هزار نفر در تهران می شود. این در حالی است که وضعیت برخی از انواع آلاینده ها در هوای تهران بسیار بغرنج است. به طور مثال زیست در هوای تهران ۵۰ درصد بالاتر از حد استاندارد است. وی گفت: بر اساس قانون مقرر بود از سال ۹۱، خودروهای کشور بر اساس استاندارد یورو ۴ تولید شود که به سال ۹۲ موکول شد اما هنوز هم خبری از ارتقاء کیفیت خودروهای تولیدی در کشور نیست. وی همچنین با تأکید بر این که امسال باید سوخت تولیدی کشور نیز بر اساس استاندارد ارتقاء یابد، گفت: میزان گوگرد در سوخت دیزل در کشور ۷ هزار پی پی ام است در حالی که در کشورهای پیشرفته این میزان حدود ۱۵ پی پی ام است و این یعنی اختلافی غیر قابل باور. سلامت نیوز

ماهان KWC: مکزیکو سیتی در شرایطی بدتر قرار داشت و به عنوان آلوده ترین هوای کره زمین از طرف یونسکو شناخته شد. ولی طی ده سال با یک برنامه منسجم و با کمک خود مردم، بر بسیاری از آلودگی هافائق آمد. ما نیز می توانیم از تجربیات آن ها استفاده کنیم.

یک شرکت اروپایی برای احیای دریاچه ارومیه اعلام آمادگی کرد

مجید جلودانی نماینده شرکت حقوقی فیدال فرانسه در ایران گفت: این شرکت مدت یک سال است تلاش می کند تا زمینه فعالیت یک شرکت بلژیکی را در احیای دریاچه ارومیه فراهم سازد. وی گفت: شرکت بلژیکی tracktable engineering که سابقه احیای دریاچه بحرالمیت را در کارنامه خود دارد، آمادگی خود را برای مشارکت در احیای دریاچه ارومیه اعلام کرده است. وی درباره مدت زمان اجرای این طرح افزود: شرکت بلژیکی پیش بینی کرده که احیای دریاچه ارومیه ظرف ۳ سال امکان پذیر است، اما باید ابتدا مطالعات جامعی صورت بگیرد. وی هزینه مورد نیاز انجام کارهای مطالعاتی را یک میلیون یورو و مدت زمان اجرای آن را حدود شش ماه عنوان کرد. نماینده شرکت فیدال فرانسه ادامه داد: اصرار به انجام مطالعات جامع به این دلیل است که اجرای پروژه های منجر به احیای دریاچه ارومیه نیازمند صرف هزینه های کلان است و موسسات مالی انتظار دارند اجرای پروژه هایی در این سطح توجیه اقتصادی داشته باشد.

ایرنا
ماهان KWC: وقتی با مشکلی بزرگ که در آن تجربه کافی نداریم برخورد می کنیم، همکاری کردن با شرکت های بین المللی که سابقه و علم آن را دارند اجتناب ناپذیر است. در کنار آن ها ما نیز با تغییرات روز آمد مفاهیمی مانند «مطالعات جامع» یا «توجیه اقتصادی» بیشتر آشنا خواهیم شد.